

## عبرت

## سکته مرد جوان در پی شوخی بی جای دوستان

**صدیقی-** شوخی بی جای چند نفر با دوست شان شب دله‌ره آور و تلخی

را برای او رقم زد. چند نفر با نقشه قبلی و قرار دادن یک سگ وحشی در صندوق خودرو به جای سوغاتی از دوست شان می‌خواهند که سوغاتی خود را از صندوق عقب بردارد که همین اتفاق شب ترسناکی را برای او رقم می‌زند. مرد جوان که با این شوخی خطرناک از شدت ترس لکنت زبان گرفته بود در این باره گفت: یک شب، چند نفر از دوستانم با خودرو مقابل خانه آمد آمدند و بدون پیاده شدن از من خواستند که زحمت برداشتن سوغاتی را از داخل صندوق ماشین بکشم.

من خوش خیال که فکر می‌کردم ماجرای سوغاتی حقیقت دارد در تاریکی شب صندوق ماشین را کمی باز کردم اما از شانس بدم چراغ آن خراب بود و به ناچار دستم را داخل آن بردم. زمانی که دستم را در داخل صندوق کمی پیدا کردن سوغاتی می‌چرخاندم در یک لحظه با یک جسم پشیمی برخورد کرد. برای بررسی آن را به سمت خودم کشیدم که ناگهان با یک سگ سیاه رو به رو شدم و بعد آن حیوان محکم دستم را گاز گرفت.

به شدت وحشت کردم و با ایجاد سر و صدا دستم را عقب کشیدم و از ترس زبانت قفل شد. دوستان نابایم با این شوخی خطرناک می‌خواستند کمی تفریح کنند اما اصلاً فکر نمی‌کردند که با شوخی بی جای شان سگته کنم. صبح شب حادثه وقتی از خواب بیدار شدم متوجه شدم دچار سگته مغزی خفیف شده ام.

## اخبار

### دستگیری ۳ شکارچی متخلف

۳ شکارچی متخلف دستگیر شدند. به گفته رئیس اداره حفاظت محیط زیست مانه و سملقان، ۳ شکارچی متخلف که در مناطق آزاد به شکار ۱۸ قطعه کبک و یک قطعه کوکر اقدام کرده بودند توسط محیط بانان دستگیر شدند. «فرچی» افزود: از متخلفان علاوه بر یک دستگاه موتورسیکلت، یک قبضه اسلحه غیرمجاز و یک قبضه سلاح مجوزدار شکاری به همراه تعدادی فشنگ کشف و ضبط شد. به گفته این مسئول، طبق قانون شکار و صید بهای شکار غیرمجاز هر قطعه کبک ۲ میلیون و هر قطعه کوکر یک میلیون ریال است و همچنین متخلفان باید ۳۷ میلیون ریال برای ضرر و زیان وارد شده به دولت پرداخت کنند.

### جان باختن نوزاد ۶ ماهه در پی واژگونی خودرو

**آگاهی-** در پی واژگونی خودروی پراید در محور چمن بید به جنگل گلستان، نوزاد ۶ ماهه سرنشین خودرو جان باخت. به گزارش خبرنگار مان، ظهر روز گذشته یک خودروی پراید در مسیر چمن بید به جنگل گلستان در محدوده روستای اسپاخو از مسیر خود خارج و واژگون شد. بر اثر این حادثه نوزاد ۶ ماهه زوج سرنشین این خودرو به بیرون از خودرو پرت شد و جانش را از دست داد. پدر و مادر این کودک دچار مصدومیت جدی نشدند. به گزارش پلیس راه خراسان شمالی، این حادثه در پی ناتوانی راننده در کنترل خودرو به دلیل تخطی از سرعت مطمئنه رخ داد.



وقتی کاسه صبر زن لبریز می‌شود

## شوهر متوهم

## صدیقی

«چرا روی مبل نشسته ای، چرا داخل اتاق تنها هستی، نیمه شب است پس چرا هنوز نخوابیده ای، اصلاً گوشی دستت چه کار می‌کند، نکند ماجرای هست؟» و چراهای دیگر روز و شبم را تیره کرد. این ها بخشی از صحبت های زن جوانی است که در راهروی دادگاه خانواده پرده از اسرار زندگی پرتلاطمش برمی‌دارد. هنوز دوران نوجوانی اش را می‌گذراند که با سماعت خانواده اش پای سفره عقد مردی می‌نشیند که نه کار دارد و نه تکلیف خدمت سربازی اش را روشن کرده است. بعد از ازدواج، شوهرش راهی خدمت سربازی می‌شود و زن جوان تنها در خانه پدر همسر خود روزها را به انتظار آمدن همسرش سپری می‌کند. زن جوان با سختگیری های خانواده شوهرش روزگار می‌گذراند. در زمان خاصی باید بخوابد و بیدار شود و از همه مهم تر اختیار گرفتن یک تصمیم مستقل را هم ندارد. بعد از گذشت مدتی خدمت سربازی همسرش به اتمام می‌رسد اما این پایان دوری زوج جوان از یکدیگر نیست بلکه سرازار دوری به مراتب طولانی تر از قبل است. شوهر زن جوان به خاطر حرفه اش راهی شهر غربی می‌شود و زن جوان مثل قبل مدت ها به انتظار می‌نشیند تا شوهرش را ملاقات کند. بالاخره کاسه صبر زن جوان لبریز می‌شود تا این که با تهدیدهای او شوهرش بارها کردن شغل اش از دیار غربت برمی‌گردد و بعد از آن مشکلات تازه ای بین زوج جوان ایجاد می‌شود. مرد جوان به خاطر فرار از فکر و خیال و بیکاری دست دوستی به سوی مواد دراز می‌کند و این ماجرا باعث می‌شود زندگی اش وارد بحران جدیدی شود. بعد از مدتی که مرد جوان در تله افیون گرفتار می‌شود خلق و خوی او نیز عوض و از یک فرد عادی و گوشه گیر به یک مرد تندخو و شکاک تبدیل می‌شود.

به موازات شدت گرفتن اعتماد مرد جوان گیر دادن و توهمات ناشی از مصرف مواد صنعتی او نیز شدت می‌گیرد. مرد جوان هر روز به زنش سخت می‌گیرد و هر بار تهمتی را به او روا می‌دارد که چرا طی روز با زن همسایه صحبت کرده است و شاید برای او دسیسه می‌چیند.

زن جوان هر چقدر سعی می‌کند شوهرش را آرام و او را از توهماتش خارج کند بی فایده است و برعکس شوهرش هر بار او را زیر مشت و لگد می‌گیرد تا در خیالش زنش اعتراف کند که با چه کسی یا کسانی در ارتباط است. گیر دادن های مرد جوان اکثر شب ها ادامه می‌یابد و مدام سرزنش غری می‌زند که چرا داخل اتاق تنها نشسته، چرا روی مبل لم داده و اصلاً چرا تا آن موقع از شب نخوابیده است. زن وقتی می‌بیند پاسخ اعتراضات او فقط مشت و لگد است و حتی تذکر و تهدیدهای او و خانواده همسر و خودش نیز بی اثر است و فایده ای ندارد به ناچار با در دادگاه خانواده می‌گذارد تا شاید با کمک مشاوران بتواند راه حلی برای زندگی توفان زده اش بیابد و تصمیم درستی برای ادامه زندگی یا جدایی از همسر متوهمش بگیرد.

زن به بهانه ای چند دقیقه مرد جوان را تنها می‌گذارد تا مقدمات پذیرایی را آماده کند. بعد از خارج شدن زن چند مرد قوی هیکل وارد خانه می‌شوند و با نقشه قبلی حالت متعجب به خود می‌گیرند و خطاب به مرد غریبه می‌گویند که او در داخل خانه خواهرشان چه کار می‌کند؟

مرد جوان با دیدن چند مرد خشن دچار وحشت و لکنت زبان می‌شود. مردان خشن سارق، مرد جوان را به بهانه برقراری ارتباط نامشروع با خواهرشان حسابی به باد کتک می‌گیرند تا او به گناه خود اعتراف کند.

راننده جوان وقتی جانش را در خطر می‌بیند به ناچار از مهاجمان می‌خواهد که او را در قبال گرفتن خودرو و همچنین موجودی حساب بانکی اش رها کنند. سارقان ابتدا در ظاهر قبول نمی‌کنند و مرد جوان را همچنان مدتی زیر مشت و لگد می‌گیرند تا این که زن غریبه وارد گود می‌شود تا با میانجی گری برادران خیالی اش را از کشتن راننده هوس باز منصرف کند.

راننده که از شدت ترس دچار لکنت زبان شده است پیشنهاد آن ها را قبول می‌کند و خودروی زیر پایش و همچنین تمام پس انداز بانکی اش را در ازای بخشیدن جانش به سارقان می‌دهد و بعد از آن وحشت زده بدون نگاه کردن به پشت سرش پا به فرار می‌گذارد. راننده جوان بعد از این ماجرا مدتی با خودش کلنجار می‌رود که چه تصمیمی بگیرد، چون آبرویش را در خطر می‌بیند.

او بالاخره راه درست را انتخاب می‌کند و پلیس را در جریان می‌گذارد و زیاد طول نمی‌کشد که بی می‌برد همه آن ماجرا یک نقشه از قبل طراحی شده بوده است و سارقان با تشکیل یک تیم قبل از او نیز با قرار دادن زن چرب زبان بر سر راه مردان هوس ران، آن ها را سر کیسه کرده اند.

این پایان ماجرا نیست و خانواده مرد جوان به خصوص همسرش زمانی که پی به اصل داستان و بیراهه رفتن شوهرش می‌برد راهی دادگاه خانواده می‌شود و ساز جدایی سر می‌دهد تا تکلیف خودش را با شوهر هوس رانش روشن کند.

مرد جوان که دامت از چشمانش می‌بارد، می‌گوید: کاش فریب لبخند شیطانی زن غریبه و حقه باز را نمی‌خوردم و به دنبال هوس نمی‌رفتم تا الان با از دست دادن اعتبار و سرمایه ام و از همه مهم تر آبروریزی نزد همسرم این گونه شرمسار و سراسکنده نشوم. البته این ماجرای تلخ و دردناک برایم گران تمام شد و باید تاوان سنگینی را برایش پرداخت کنم.



تاوان سنگین یک اشتباه

# تله هوس

## صدیقی

مقصد مورد نظرش برساند. مرد جوان که فریب لبخندهای شیطانی زن حيله گر را می‌خورد با خوشحالی پیشنهادش را قبول می‌کند و هر دو به سمت مقصد در یک مکان دور افتاده به راه می‌افتند.

زن غریبه در طول مسیر، حسابی راننده را مجذوب الفاظ قشنگ و نیرنگ خویش می‌کند و افسار مرد جوان را در دستانش می‌گیرد و تخلیه اطلاعات زندگی شخصی راننده، او را به سمت تله ای که از قبل برایش تدارک دیده است راهنمایی می‌کند.

راننده بی خبر از همه جا بعد از پیمایش مسافت زیادی وارد حاشیه شهر و با راهنمایی های زن حيله گر قدم به قدم به مقصد نزدیک می‌شود تا این که جلوی یک اتاق نگهدیانی توقف می‌کند تا در خیالش ساعتی را در رکاب هوس خوش بگذراند.

زن غریبه با لبخند و ترفند زیر کانه طعمه اش را به لانه شیطانی دعوت می‌کند تا از او پذیرایی کند. راننده خوش خیال و هوس ران با خوشحالی وارد خانه رمزآلود می‌شود.

به دنبال هوس رفتن او را با سر به زمین کوبید. اعتماد بی جا و البته پاسخ به لبخند شیطانی تا حد مرگ او را پیش برد و اعتبار و عزت خود را از دست داد. مرد جوان که با پیروی از هوس در تله چند شباد گرفتار شده بود ناگهان خود را در چاه غفلت دید و بعد از آن زندگی اش در بن بست قرار گرفت.

بنا بر اظهارات مرد در تله هوس افتاده، ماجرا از این قرار است که او برای امرار معاش به جا به جایی مسافر روی می‌آورد و چرخ زندگی اش را از این طریق می‌چرخاند. مدتی با این دست فرمان پیش می‌رود تا این که روزی به پیشنهاد یک مسافر برای رساندن او به مقصد، راهی یک شهر غریب و پول خوبی نیز نصیب اش می‌شود. راننده جوان در زمان بازگشت به زادگاهش ناگهان در حاشیه خیابان با یک زن آشنا می‌شود.

زن غریبه با ترفندهای زیر کانه از راننده می‌خواهد در قبال گرفتن کرایه‌ای خوب او را به

دانش آموزان نمونه درسی و انضباطی دبستان شهید فرهادی روستای یکه شاخ			دانش آموزان نمونه ی انضباطی و خیلی خوب درسی دبستان دخترانه کوثر ۱۲ ینگه قلعه بجنورد										سال تحصیلی ۹۷-۹۸
ماتده رحمانی اول کلاس	یاسمن رسولی اول کلاس	نازنین زهرا رحمانی اول کلاس	هشتیا ملکشی چهارم کلاس	هستی کریمی سوم کلاس	زهرا رحمتی بنه قله سوم کلاس	هستی قشلاقی سوم کلاس	بلدا فیروزه دوم کلاس	ریحانه ایزانلو دوم کلاس	نیایش رحمتی دوم کلاس	زهرا محمدی دوم کلاس	مهشید ریحانی چهارم کلاس	هدیه محمدی چهارم کلاس	مهشید ریحانی چهارم کلاس
امید ترخانی دوم کلاس	علی اکبری دوم کلاس	رقیه رحمانی سوم کلاس	نهار اکبری پنجم کلاس	نیایش نیک نژاد پنجم کلاس	سارا الهی پنجم کلاس	سوگند گریوانی چهارم کلاس	ستایش گریوانی چهارم کلاس	نگین حمیدی چهارم کلاس	هدیه محمدی چهارم کلاس	مهشید ریحانی چهارم کلاس	مهشید ریحانی چهارم کلاس	مهشید ریحانی چهارم کلاس	مهشید ریحانی چهارم کلاس
با سپاس از همراهی مدیر:جناب آقای علی شاکری			با سپاس از همکاری صمیمانه مدیریت محترم: سرکار خانم فایضه رست و تشکر از زحمات معاونین ساعی و همه ی معلمین عزیز										
دانش آموزان نمونه ی انضباطی و خیلی خوب درسی دبستان دخترانه استقلال بجنورد										دانش آموزان نمونه درسی و انضباطی دبستان شهید قربانزاده ایوب گیفان			
مهلا شاهی دوم کلاس	مبینا ایزانلو دوم کلاس	الناز ایزانلو دوم کلاس	سمیه بهزاد اول کلاس	زهرا واسعی اول کلاس	زهرا حمیدی اول کلاس	مائده ایزانلو اول کلاس	تانیبا فرخی نوبهار اول کلاس	درسا بابایی اول کلاس	فاطمه مقدسی اول کلاس	سیدمحمدجواد رحیمی اول کلاس			
ستایش صادقی پنجم کلاس	معصومه ابراهیمی یور پنجم کلاس	یگانه ایزانلو پنجم کلاس	زهرا قربانی نه چهارم کلاس	معصومه براتی چهارم کلاس	کیانا گلزاری نه سوم کلاس	ستایش ریانی سوم کلاس	مبینا محمدزاده بر سه سوم کلاس	زهرا احتیاط کار پنجم کلاس	فرزاد محمدی چهارم کلاس	سامان بابازاده چهارم کلاس	با سپاس از همراهی مدیر جناب آقای مهدی فرجی	با سپاس از همکاری صمیمانه مدیریت محترم: سرکار خانم صغری احمدی و تشکر ویژه از زحمات معاونین ساعی و همه ی آموزگاران دلسوز و کاربلد	با سپاس از همکاری صمیمانه مدیریت محترم: سرکار خانم صغری احمدی و تشکر ویژه از زحمات معاونین ساعی و همه ی آموزگاران دلسوز و کاربلد